ادامه از صفحه ۱۱

«کیوان علیمحمدی» و «امید بنکدار» در گفت‌وگو با «شرق»

قهر کردن ساده‌ترین راه است

یعنی شما مشکل ممیزی و مشکلات دیگر داشتید؟

علیمحمدی: مشکلات مختلف در کار پیش می‌آیند اما شما نمی‌توانید که کار را رها کنید و قهر کنید. ما همیشه فکر می‌کنیم که در دهه ۶۰ که آدم‌هایی مثل مهرجویی، بیضایی و تقوایی فیلم می‌ساختند فرش قرمز برای‌شان پهن می‌کردند؟ ما هر وقت در شرایط سخت قرار می‌گیریم خودمان را جای این بزرگان قرار می‌دهیم و همیشه فکر می‌کنیم فاصله ما با آقای بیضایی فاصله کهکشانی است و هیچ موقع هم به جایگاه ایشان نخواهیم رسید. پس وقتی ایشان و امثال ایشان با این سختی‌ها فیلم ساخته‌اند ما حق نداریم غر بزنیم. ممکن است در خلوت خودمان غر بزنیم یا از سختی‌ها گلایه کنیم، اما حق نداریم کار را رها کنیم و برویم گوشه خانه‌مان بگوییم کسی لیاقت ندارد و ما را درک نمی‌کنند.

حتی دوباره با تلویزیون با همه سختی‌هایش کار می‌کنید؟

علیمحمدی: حتما همین‌طور است. اگر ارتقای سلیقه مخاطب و احترام به او اهمیت دارد، اگر ایجاد تنوع در تولیدات و گسترش امکان انتخاب برای مخاطب مهم است و شعار نیست پس باید کار کرد و ادامه داد.

بنکدار: یکی از مشکلاتی که در تلویزیون وجود دارد به این برمی‌گردد که ما هنوز شبکه خصوصی نداریم. چندین شبکه تلویزیونی داریم که همه دولتی هستند. همین قضیه دو اشکال به وجود آورده است. امکان رقابت و بالا رفتن سطح کیفی را محدود کرده است و چون تلویزیون بزرگ‌ترین رسانه ملی است زیر ذره‌بین قرار دارد و به‌خاطر همین حساسیت‌هایی شدید به وجود می‌آورد. بخشی از این حساسیت‌ها گاه بی‌دلیل است و تنها به کارها آسیب می‌رساند. چه به لحاظ کیفی و چه به لحاظ کمی و طبعا به سازندگان کارها هم آسیب می‌زند. همه ما در این کشور زندگی می‌کنیم و به قوانین احترام می‌گذاریم و می‌دانیم خط قرمزها کجاست. باید در مورد چه چیزهایی صحبت کنیم و چه مسایلی می‌توانند شبهه‌برانگیز باشند یا سوءتفاهم ایجاد کنند. همه کسانی که کار حرفه‌ای می‌کنند هم این را می‌دانند. اما گاهی دلسوزی‌های بیش از حد که کم‌کم تبدیل به عیب‌جویی و حساسیت‌های بی‌جا می‌شود کارها را به مسایل حاشیه‌ای می‌کشاند و این حاشیه‌ها از سطح مدیریت تا سازندگان را درگیر مسایلی می‌کند که حتی تصوری هم از آن از ابتدای کار وجود نداشته است. امیدوارم با حمایت دولتمردان و صبوری مدیریت این عیب‌جویی‌ها محملی برای آسیب زدن به تولیدات تلویزیون پیدا نکند. اما به هر حال شرایط این‌گونه است و نه می‌شود از مدیریت خرده گرفت (چون این مساله برای خود آنان نیز مشکل‌آفرین است) و نه می‌شود از شرایطی که پیش می‌آید گلایه‌مند نبود.

علیمحمدی: دو راه بیشتر نداریم. یا باید قهر کنیم و برویم خانه‌مان بنشینیم یا باید کارمان را به درستی انجام بدهیم. معتقدم همیشه قهر کردن بهترین راه نیست ساده‌ترین راه است. چون ما در یک نسل مشترک هستیم می‌گویم. اگر دهه‌های ۶۰ و ۷۰ مهرجویی و تقوایی و بیضایی کار نمی‌کردند آیا این امکان برای ما بود که سینمای متفاوتی را تجربه کنیم؟ آنها کار کردند و سختی‌های زیادی کشیدند که در مصاحبه‌هایشان هم خواندیم. ما که از آنان بالاتر نیستیم.

کمی هم از فیلم صحبت کنیم. تم اصلی فیلم مهاجرت است و آدم‌هایی که به دنبال هویت خود هستند؛ موضوعاتی که همیشه در کنار هم قرار می‌گیرند. پولاد شخصیت اصلی به دنبال هویتش آمده اما سرگشته و حیران است. نمی‌داند چه باید بکند. در کنار این شخصیت سایر شخصیت‌ها هم همین سرگشتگی را دارند. این تمی است که در این سال‌ها بارها تکرار شده. حیرانی با این تم قرار است از چه صحبت کند؟

بنکدار: همیشه همه ما به دنبال ریشه‌های خودمان می‌گردیم. شیرین‌ترین خاطرات‌مان همیشه خاطرات دوران کودکی‌مان است. جذاب‌ترین چیزهایی که در ذهن‌مان است مدرسه و بچگی‌هایمان است. چون اینها ما را متصل به جایی می‌کند که به آن تعلق داریم. به همین دلیل هویت یکی از ابدی‌ترین و ازلی‌ترین تم‌هاست. حیرانی هم از همین می‌گوید؛ اینکه چطور با جست‌وجو کردن ریشه‌هایمان می‌توانیم آدم بهتری باشیم یا زندگی بهتری داشته باشیم.

پولاد شخصیت اصلی داستان است و همه قصه‌ها و شخصیت‌ها قرار است به او مرتبط شوند؟

علیمحمدی: چون همه وجوه گم‌شده‌ای دارند. همه تلاش می‌کنند خودشان را بشناسند. مصداق همان عبارت بزرگ که می‌گوید هرکسی نفسش را شناخت خدا را شناخته. شما اشاره درستی کردید، این سرگشتگی در همه شخصیت‌ها هست. در عاطفه هم این سرگشتگی هست. حتی مادر که آلزایمر دارد. و خوش به حال کسانی که در این مسیر زمان را از دست نمی‌دهند. آدمی مثل میرقلی این امکان را از دست می‌دهد. اینها سوال‌هایی است که برای تماشاگر پیش می‌آید. به‌خصوص در ۱۰ قسمت اول سرگشتگی و حیرانی می‌بینید که در ساختارش هم طراحی شده است.

به آلزایمر مادر اشاره کردید. در کنار حیرانی و هویت همیشه مساله فراموشی را داریم. این دغدغه جامعه ماست. بزرگ‌ترین مشکل ما فراموشی است.

علیمحمدی: فراموشی مثل قهر کردن است. این ساده‌ترین راه است اما بهترین راه نیست. عطیه تلاش می‌کند که فراموش کند و انگار این بیماری را از درون به وجود خود فراخوانده است. اما همان طور که خودش می‌گوید تلاش کرده که آن ماجرا را فراموش کند. او همه چیز را فراموش کرده اما آن حادثه هنوز در خاطرش هست.

بنکدار: آلزایمر یک وجه تمثیلی دارد و یک بخش واقعی و بیولوژیک. ما قبل از این یک مستند درباره آلزایمر ساخته بودیم. یکی از شخصیت‌های فیلم شبانه‌روز هم این بیماری را داشت. ما به این مضمون آشنا بودیم. خیلی دردناک است که فردی دچار بیماری‌ای شود که نزدیک‌ترین عزیزانش را به جا نیاورد. این بیماری یک وجه تمثیلی هم دارد. متاسفانه ما دچار ضعف در حافظه تاریخی هستیم.

صرف ۴۰ سال برای نگارش یک زندگینامه

نیویورک تایمز- فاطمه عسگری‌آزاد: نام رابرت کار و نویسنده و خبرنگار آمریکایی که در رشته سیاست تحصیل کرده و تمام عمر خود را صرف نوشتن زندگینامه سیاستمداران بزرگ کرده است، برای کتابخوان‌های آمریکایی، نامی آشناست؛ چرا که این نویسنده تا به حال دو بار جایزه پولیتزر را از آن خود کرده است. گرچه او عمر خود را صرف مطالعه زندگی سیاستمداران کرده اما تا به حال در هیچ منصب سیاسی‌ای نبوده و نمی‌توانسته هم باشد. به این دلیل مهم که او شخصیتی خجالتی است و صدای آرامی دارد و به اندازه کافی خودشیفته نیست. اولین پروژه او راجع به رابرت موسز بود و بعد از آن روی لیندن جوهانسون تمرکز کرد؛ زندگینامه‌ای که کارو برای نوشتن آن ۳۷ سال از زندگی‌اش را اختصاص داد؛ زندگینامه‌ای که با نام سال‌های لیندن جوهانسون در حال انتشار است و چهارمین بخش آن با نام گذرگاه‌های قدرت (The passage of power) در ماه آینده وارد بازار خواهد شد. این جلد شش سال از زندگی جوهانسون، رییس سنای آمریکا را دربر خواهد گرفت و سال‌های ۱۹۵۸ یعنی زمانی که جوهانسون به عنوان مرد عمل شناخته می‌شد و در سیاست مشهور بود تا زمانی که در سال ۱۹۶۰ باید تصمیم می‌گرفت که در انتخابات ریاست‌جمهوری کاندیدا شود یا نه را دربر می‌گیرد. این کتاب همچنین مقطع زمانی شکست جوهانسون در برابر کندی را شامل می‌شود. کارو می‌تواند به آسانی بگوید همسایه‌های جوهانسون چه کسانی هستند، هر کدام از اعضای خانواده‌اش مشغول چه کاری هستند و در سال ۱۹۴۸ جوهانسون چگونه با دزدیدن ۸۷ رای توانست در انتخابات تقلب کند و پیروز شود. «من بیشتر از زمانی‌که جوهانسون صرف زندگی‌اش کرد، صرف نوشتن زندگینامه‌اش کرده‌ام» و پس از این همه سال هنوز به پایان این زندگینامه نزدیک هم نشده ام. هنوز رسوایی‌های بابی بیکر و والتر جنکینز، وقایع جنگ ویتنام و تصمیم جوهانسون برای عدم شرکت در انتخابات بعدی باقیمانده است. جوهانسون در ۶۴ سالگی مرده و کارو ۷۶ ساله است. او در مورد کتاب آخرش گفت: «نگارش گذرگاه قدرت، بیش از حد طول کشید زیرا در این مدت من مشغول جمع‌آوری اطلاعات برای باقی داستان بودم در نتیجه امیدوارم به‌زودی باقی کتاب را بنویسم.» البته این جمله‌ای است که او پیش از این هم قولش را داده بود. قرار بود گذرگاه قدرت ۹ ماه طول بکشد اما هفت سال گذشت تا این کتاب منتشر شد. صرف این‌همه سال برای مطالعه زندگی جوهانسون باعث شد که تمام جنبه‌های شخصیتی او را به‌درستی درک کند. شاید تصور کنید صرف این همه زمان برای چاپ کتاب‌های کارو حوصله انتشارات و ویراستار او را سر برده است اما آنها می‌گویند کارو زمانش که فرارسد کتاب را تحویل می‌دهد و آنها با این تاخیرات مشکلی ندارند. آیا این کتاب‌ها ارزش این همه زمان را داشته‌اند؟ زمان زیادی طول کشید تا کارو به این سوال پاسخ دهد اما در نهایت گفت «بله این کتاب‌ها ارزشمندند زیرا هیچ کتابی شبیه آنها نیست.» کارو در مورد نحوه شروع کارش به عنوان یک زندگینامه‌نویس گفت: «هیچ وقت برنامه‌ای برای این کار نداشته و چندین اتفاق پی‌درپی من را به این سمت کشانده» کارو در یک روزنامه ورزشی کار می‌کرد و یک ستون ورزشی داشت و حتی داستان کوتاه می‌نوشت ولی پس از ازدواج و مشکلات مالی‌ای که برایشان پیش آمد حاضر بود با مبالغ اندکی برای روزنامه‌ها کار کند. در اوایل دهه ۶۰ بود که او تصمیم گرفت روزنامه‌نگاری تحقیقی را پی بگیرد و همین ایده بود که او را به مطالعه درباره رابرت موسز علاقه‌مند کرد. ادامه کار او روی این پروژه تبدیل به کتابی با نام The power broker شد. این کتاب بر اساس ۵۲۲ مصاحبه و تحقیقات گسترده نوشته شده است. کارو در کتابش به سیاست‌های انسان‌دوستانه جوهانسون اشاره می‌کند و برای تهیه این کتاب مدت‌های مدیدی با خود جوهانسون، همسرش و فرزندانش مصاحبه کرده است و اکنون که جلد چهارم این کتاب وارد بازار می‌شود، می‌گوید از اینکه این پروژه را آغاز کرده، خوشحال است.

حزب‌اللهی‌ترین فیلمنامه را بیاورند نخوانده، مجوز می‌دهیم

شرق: ماجراهای سینما آنچنان پیش می‌رود که همه ناگزیر از دخالت و اظهارنظر هستند. سرانجام نیز «جواد شمقدری» رییس سازمان دوستان همفکر خود را در عرصه سینما کنار هم جمع کرد تا دیداری با اصناف سینمایی داشته باشد و به موضوعاتی نظیر حواشی اکران نوروز، بحث امنیت شغلی و... اشاره کند و آنچنان که خبرگزاری فارس گزارش می‌دهد این گروه از حاضران هم بر وفاق ملی تاکید کردند. هرچند این نشست در حالی برگزار شد که پس از انحلال خانه سینما تعدادی از روسای اصناف خانه سینما اعلام کرده‌اند قصد ندارند با این شورای جدید که تشکیل شده است همکاری کنند. این نگاه و نظر چندان مورد قبول رییس سازمان سینمایی نیست و البته به همراه اعضای شورای‌عالی سینما دنبال طرح تشکیلات جایگزین خانه سینما هستند تا آن را نهایی کنند و سپس جلسه بگذارند. اما در مقابل عدم همکاری صنوف تاکید می‌کند: « ترجیح می‌دهیم شورای مرکزی فعلی اصناف برای ثبت قانونی و ادامه فعالیت صنفی وارد کار شوند. اما این نکته را هم باید در نظر گرفت که ما نمی‌توانیم معطل چند نفر باشیم. صنف‌ها باید شکل گرفته و کار آغاز شود. ترجیح ما ادامه فعالیت صنوف و ثبت قانونی آنها توسط شورای مرکزی کنونی آنها و پیش‌قدم شدن‌شان است، اما در غیر این صورت سایر اعضای صنف می‌توانند با تشکیل شورای مرکزی، ثبت قانونی را آغاز کنند.»

شمقدری در ادامه در پاسخ به سوال دیگر ایسنا مبنی بر اینکه شنیده می‌شود، دیوان عدالت اداری در پرونده انحلال خانه سینما به نفع آنها و به ضرر ارشاد رای داده است، بیان کرد: این مطلب کاملا شایعه است، چراکه اصلا دیوان عدالت اداری هنوز رای خود را صادر نکرده است. وی در ادامه تشکیل سازمان سینمایی و همچنین ساماندهی صنوف مربوط به سینما را دو مصوبه دیگر اجرایی‌شده شورای‌عالی سینما دانست و یادآور شد: یکی از مصوبات شورای‌عالی سینما ساماندهی صنوف این بخش بود که این موضوع در کمیته ساماندهی که کارش را در ساختمانی آغاز کرده در حال پیگیری است. شمقدری ادامه داد: اکنون بحث ساماندهی و همچنین خدمات‌دهی به صنوف توسط این کمیته در حال پیگیری است و آنها توانستند با پیگیری‌هایشان از ریاست‌جمهوری عیدی خوبی هم برای برخی سینماگران بگیرند. اجرایی شدن سایر مصوبات جلسه شورای‌عالی سینما هم به پشتیبانی اعتباری نیاز دارد. رییس سازمان سینمایی در ادامه درباره بودجه امسال سازمان سینمایی و بحث اختصاص بودجه ۱۵۰میلیارد تومانی به آن اظهار کرد: بخشی از اعتبار ۱۵۰میلیاردی تخصیص و تایید داده شده اما هنوز به دست ما نرسیده است که به احتمال زیاد تا چند هفته آینده خواهد رسید.

وی تصریح کرد: ما اکنون در مسیر دریافت این بودجه هستیم که بخشی از آن مربوط به بازسازی سینما «فرهنگ» است و برایمان بحثی جدی و مهم است که با تامین هزینه‌ها ساخت سالن‌های جدید در سینما «فرهنگ» را آغاز کنیم. وی همچنین در پاسخ به این پرسش که آیا قرار است فعالیت‌های سازمان سینمایی به‌زودی به ساختمان میراث فرهنگی در خیابان آزادی منتقل شود، گفت: ما امروز جلسه‌ای درباره این موضوع داشتیم و ۵۰درصد کار انجام شده ما برخی دلایل کارشناسی را از سوی سازمان سینمایی ارایه دادیم و وکیل آن طرف هم نظراتش را مطرح کرد. در کل قرار شد مطالب جمع‌بندی و در جلسه دیگری که گذاشته می‌شود، مطرح شود تا نهایتا آقای رییس‌جمهور در این رابطه تصمیم بگیرند. شمقدری در بخشی از صحبت‌هایش به مسایل پیش‌آمده اکران نوروزی اشاره کرد و گفت: «برخلاف دوستان اعتقاد دارم این اتفاقات به ضرر سازمان سینمایی نیست به ضرر سینماست که البته چون خود من سینماگر هستم ضرر دیدم پس باید همه با هم به میدان بیاییم و همدلی کنیم. گردنه بسیار سختی است اما عبورش فصل بسیار روشنی را به همراه خواهد داشت. لازم است دوستان با صبر و تامل بیشتر صحنه را ببینند و کار کنند.» و همچنین درباره اعتراض‌های انصار حزب‌الله با عقب نشینی گفت: «این گروه انصار حزب‌الله که تجمع کردند حزب‌اللهی‌ترین فیلمنامه‌شان را بیاورند، ما تا به همه یاد بدهند فیلم حزب‌اللهی چگونه است اما اگر ناتوان هستند، بگذارند اهالی سینما کارشان را بکنند. اگر کسی دغدغه و نگرانی دارد، می‌تواند بیاید مشارکت کند، نظر و پیشنهاد بدهد ما حمایت می‌کنیم.» شمقدری همچنین درباره بحث‌هایی که درباره فساد در سینما در برخی رسانه‌ها پیگیری می‌شود؛ هم اظهارنظر کرد و گفت: «متأسفانه این روزها برخی رفتارهای ناشایستی داشتند که در یکی از این موارد فساد در سینما را مطرح کردند. مظاهری از فساد در همه جا هست و در همه قشرها وجود دارد، اگر سینمای ایران مشکلی دارد برای عقبه ۳۰ ساله آن است، چرا برخی اصرار دارند سینما را به فساد متهم کنند، گویا نقل‌کنندگان بیش از همه درگیر این موضوع هستند، تردیدی نیست اگر فردی از خط قرمز عدول کرد و باعث ترویج فساد شد باید با آن برخورد شود در غیراین‌صورت نقل مستمر مساله فساد به خودی خود به‌جز تشویش اذهان عمومی نقشی ندارد. ما پیرو مکتبی هستیم که مولا علی علیه‌السلام در مقابل اصرار کسی که اعتراف به گناهی می‌کند تلاش می‌کنند نشنیده بگیرند. کجای اسلام و قرآن به ما توصیه کرده گناه و فساد فرد یا افرادی را در کوی و برزن جار بزنیم. چرا سایت‌ها و خبرگزاری‌های ما روش اسلامی را در این حوزه‌ها به فراموشی سپرده‌اند.» شمقدری در پایان درباره اظهارات کارگردان «قلاده‌های طلا» هم بیان کرد: این موضوع را از آقای طالبی سوال کنید اگر توضیح کامل دادند که هیچ وگرنه اگر لازم باشد، شاید روابط عمومی‌مان توضیحاتی را منتشر کند. در این نشستی که برگزار شد، برخی از اعضای شوراهای مرکزی اتحادیه تهیه‌کنندگان، کانون پخش‌کنندگان، مدیران تولید، کارگروه ساماندهی صنوف، انجمن موسسات ویدیویی، شورای صنفی اکران و... حضور داشتند از جمله می‌توان به جمال شورجه، داریوش بابابیان، مرتضی شایسته، حبیب اسماعیلی، اکبر سنگی، عبدالله علیخانی، سیدجمال ساداتیان، مسعود اطیابی، سیدعلیرضا سجادپور، حسین زندباف، بیژن امکانیان، عباس رافعی، علی سرتیپی، سیدضیا هاشمی، محمدرضا شرف‌الدین، حبیب کاوش، حبیب‌الله کاسه‌ساز، اکبر حر، سعید سهیلی، رسول توکلی و... اشاره کرد.

«غرب وحشی» شاید تا ۹۳ به صحنه برسد

شرق: داریوش مهرجویی قصد داشت نمایش «غرب وحشی» نوشته سام شپارد را با ترجمه خودش در تماشاخانه ایرانشهر در سال ۹۱ به صحنه بیاورد. او می‌گوید: «این اجرا به دلیل خالی نبودن سالن‌های این تماشاخانه تا سال ۹۳ بلاتکلیف مانده است.» مجید سرسنگی رییس تماشاخانه ایرانشهر اعلام کرده برنامه این سالن‌ها تا سال ۹۳ بسته شده است.

«عشاق قاطع» در مادرید شکل می‌گیرد

«پدرو آلمادوار»، کمدی رمانتیک «عشاق قاطع» را با بازی «خوزه ماریا یازپیک»، بازیگر مکزیکی تابستان در مادرید جلوی دوربین می‌برد. «یازپیک» در سال ۲۰۰۸ برای بازی در فیلم «دشت سوزان» به همراه «چارلیز ترون» به کارگردانی «گیلرمور آریه‌گا» توانست جایزه بهترین بازیگر از نگاه تماشاگران آمریکایی را به دست آورد.

بازگشت ترمیناتور از سیاست به سینما

«آرنولد شوارتزنگر»، بازیگر و سیاستمدار شکست‌خورده ایالت کالیفرنیا به زودی با فیلمی از یک کارگردان کره‌ای در سینماهای جهان حاضر می‌شود. این فیلم را «کیم وی جون» کارگردانی کرده و فیلمنامه آن را «جفری نچمانوف» به رشته تحریر درآورده است. این فیلم درباره فرار یک رییس کارتل بزرگ مواد مخدر است.

اردشیر رستمی: مهرجویی سینماگری مولف

اردشیر رستمی اهل شعر و ادبیات است. وقتی با او حرف بزنید بارها برای‌تان شعر می‌خواند. او تاکنون در دو نقش «جوانی استاد شهریار» و «شریف رفتگر» بازی کرده که در هر دوجا روحیه شاعری‌اش را حفظ کرده است. شبکه ایران با او به بهانه بازی در «نارنجی‌پوش» اثر جدید داریوش مهرجویی – که این روزها روی پرده است – گفت‌وگو کرده است.

آقای رستمی، چطور شد پس از چند سال دوری از دوربین، ایفای نقش در «نارنجی‌پوش» را پذیرفتید؟

آقای مهرجویی مدت‌ها بود که دوست داشت با هم همکاری کنیم. پیش از این کار، یکی، دو فیلمنامه بود که قرار همکاری داشتیم اما آنها ساخته نشدند. اینجا هم دعوت کرد که بروم نقش یک وکیل را در فیلم بازی کنم اما از نقش خوشم نیامد و عذرخواهی کردم و گفتم نمی‌توانم قبول کنم. ایشان هم گفت: نگران نباش یک نقش دیگر برایت می‌نویسم، بعد نقش «شریف» شکل گرفت و رفتم بازی کردم.

آشنایی با داریوش مهرجویی از کجا آغاز شد؟

به دوران بازی‌ام در سریال «شهریار» بازمی‌گشت. ایشان از طریقی پیغام فرستاده بود که دوست دارم در فیلم‌ام بازی کنی. چند فیلمنامه هم نوشته بود که در انتظار شروع فیلمبرداری آنها بودم اما اصلا ساخته نشدند. بعد که «نارنجی‌پوش» پیش آمد، گفتم خوب شد که با این کارگردان بزرگ کار می‌کنم.

یعنی پیش خودتان گفتید، این هم غنیمت است؟

نه. چون فیلمنامه خوب بود و پیشنهادش را نمی‌شد رد کرد.

آن فیلمنامه‌ها که ساخته نشدند هم با حال و هوا و شخصیت شما نزدیکی داشتند؟

بله. در یکی از آن فیلمنامه‌ها نقش آدمی را داشتم که با خدا بود و در یک محیط پر از خلاف و گناه با مسایل و آدم‌های جدیدی روبه‌رو می‌شد.

از خود مهرجویی چقدر شناخت داشتید؟ از چه زمانی با آثار ایشان آشنا بودید؟

از «گاو» در واقع با آثار و شخصیت ایشان از طریق فیلم‌ها، نوشته‌ها و مصاحبه‌هایش آشنا بودم. مهرجویی فقط یک سینماگر نیست، مترجم است، متفکر، فیلسوف و در مجموع سینماگری مولف است. همه کارهایش را قبلا دیده بودم.

کدام‌یک از کارهایش را دوست دارید؟

۸۰درصد ساخته‌هایش را دوست دارم مخصوصا «گاو» و «هامون.» من معتقدم «هامون» تاریخ سینمای ایران را در دو بخش قبل از آن و بعد از آن تقسیم می‌کند. «سنتوری» را هم خیلی دوست دارم چون در آن فیلم به هنرمندان از زاویه جدیدی نگاه می‌شود. شخصیت اصلی فیلم لزوما آدم مثبتی نیست، یعنی گفته که یک هنرمند می‌تواند در عین حال آدم خوبی نباشد، خوبی، امری نسبی است. در فیلم «سنتوری» هنرمندی را می‌بینیم که مثل ما نمی‌اندیشد و به اصطلاح بچه مثبت نیست.

برگردیم به «نارنجی پوش»، شما از چه زمانی وارد گروه شدید؟

قبل از همه چیز پیش تولید بود، فیلمنامه هم کاملا آماده نبود، در واقع حدودش در ذهن داریوش مهرجویی بود و به‌تدریج کامل شد. همان‌طور که گفتم نقش یک وکیل را برایم در نظر گرفته بود که من قبول نکردم.

از چه زمانی جلوی دوربین رفتید؟

اوایل بهمن‌ماه بود و کار فیلمبرداری تقریبا یک ماه طول کشید. یک ماه و چندی درگیر بودیم. روزهای خوبی بود و در کنار رضا درمنشیان و دیگر اعضای گروه، خاطرات خوبی شکل گرفت.

تمرین و آمادگی قبلی داشتید؟

نه چندان. به ایشان گفتم من بازی کردن بلد نیستم. کارگردان هم گفت «نمی‌خواهد ادا دربیاوری همین‌طور که خودت هستی باش.»

شما که قبل از این دو سال جلوی دوربین کمال تبریزی بودید!

آنجا هم بازی نکردم. دنبال این نبودم که بازی کنم می‌خواستم خودم باشم. در «نارنجی‌پوش» هم همین‌طور برخورد کردم. در خلال کار شروع کردم به نوشتن دیالوگ‌های خودم و تا جایی که امکان داشت استاد پذیرفت. هر چه به ذهنم می‌رسید می‌گفتم، همه را گوش می‌کرد و اگر به کار لطمه نمی‌زد قبول می‌کرد. مثلا آنجا که جارو روبان دارد یا آنجا که برای نمایشگاه عکس گلدان طبیعی می‌برم یا سکوت‌هایم را خودم پیشنهاد کردم.

قضیه شعر خواندن‌هایتان جزو شخصیت واقعی شماست؟

بله، شعرها و ترانه‌هایی که می‌خوانم.

با توجه به اینکه «نارنجی‌پوش» نخستین تجربه بازی شما در سینماست، این تجربه را چطور ارزیابی می‌کنید؟

خوب بود. البته بازی در سینما و تلویزیون مثل هم است، پیچیدگی خاصی ندارد اما به نظرم بازی در تلویزیون خطرناک‌تر است.

چرا روی خطرناک بودن تاکید می‌کنید؟

به دلیل گستردگی مخاطبانش، چون امکان دروغ گفتن به بیننده، خود نبودن و رل بازی کردن نیست اما در سینما مخاطب پول می‌دهد، بلیت می‌خرد و می‌آید فیلم تماشا کند، بنابراین انتخاب کرده و می‌خواهد چیزی را که دوست دارد، ببیند. در حالی که در تلویزیون مخاطبان انتخاب نمی‌کنند، تلویزیون را روشن می‌کنند و سریالی برای آنها پخش می‌شود. از همه طیفی در میان مخاطبان تلویزیون هست و این کار را سخت‌تر می‌کند.

شما هنگام بازی کردن از بازیگر مقابل کمک می‌گرفتید یا کمک می‌کردید؟

دوطرفه است. حامد بهداد به من کمک می‌کرد و من به حامد. ما با رفتارهایمان کار را بالانس می‌کردیم یعنی آرامش من در برابر جنب‌وجوش‌های او قرار می‌گرفت اما متاسفانه چند سکانس از بازی‌های من از فیلم کم شده است.

گزارش تصویری

بهرام عظیمی قصد دارد در قسمت اول مجموعه انیمیشن «بزن بریم سینما»، فیلم سینمایی «آژانس شیشه‌ای» ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا را به صورت انیمیشن و با صدای اصلی فیلم بسازد. او می‌گوید: این کار در حقیقت ۱۳ قسمت انیمیشن است با زمانی حداقل ۱۰۰ ثانیه که با هدف فرهنگ‌سازی ساخته می‌شود. این انیمیشن‌ها هم قرار است از تلویزیون پخش شود و هم قبل از شروع هر فیلم در سینماها. هدف این فیلم‌ها آشتی خانواده‌ها با سینماست.

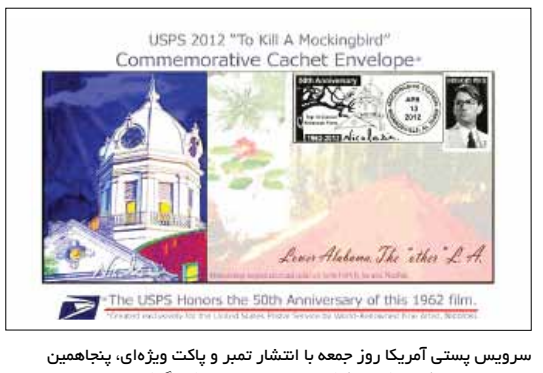

سرویس پستی آمریکا روز جمعه با انتشار تمبر و پاکت ویژه‌ای، پنجاهمین سال ساخت و اکران فیلم «کشتن مرغ مقلد» را جشن گرفت. در این مراسم حدود یک‌صد نفر از طرفداران سینما حضور داشتند تا تمبرهای منتشر شده که طرح‌هایی از پوستر فیلم «کشتن مرغ مقلد» روی آن بود را خریداری کنند. روی پاکت‌های نامه‌ای که به این مناسبت منتشر شده است، تمبر تصویر «گری گوری‌پک»، بازیگر سرشناس سینمای آمریکا و هنرپیشه این فیلم معروف، دیده می‌شود که سال گذشته به یاد این بازیگر بزرگ منتشر شده بود.

یکی از مشهورترین شخصیت‌های داستانی تاریخ سینما بار دیگر به روی صحنه خواهد رفت. این بار قرار است قسمت‌هایی ناگفته از شخصیت مرد عنکبوتی با ستاره‌های جدیدی به کارگردانی مارک وب نقل شود. عکس‌هایی از فیلم جدید «مرد عنکبوتی شگفت‌انگیز» منتشر شده است. این فیلم سه‌بعدی در تیرماه در آمریکا و انگلیس روی صحنه خواهد رفت. نقش پیتر پارکر را اندرو گارفیلد و اما استون نقش همکلاسی دبیرستان مرد عنکبوتی را که بعدها او عاشقش می‌شود بازی خواهد کرد. این داستان براساس فیلمنامه‌ای از جیمز وندربیلت، الوین سارگنت و استیو کلوز ساخته شده است.

هفت هنر

دری تایید کرد

ناشران تعلیقی به نمایشگاه می‌آیند

■ **شرق:** در حالی که هنوز وضعیت فعالیت چند ناشر معتبر از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در حالت تعلیق است؛ بهمن دری با تایید خبری درباره احتمال حضور این ناشران در دیار اعضای هیات‌مدیره اتحادیه ناشران و کتاب فروشان تهران گفت: «این ناشران که تعدادشان به اندازه انگشتان دست نیست، می‌توانند در نمایشگاه کتاب شرکت کنند.» او بدون اینکه به سرنوشت این ناشران اشاره کند؛ گفته: «سال گذشته کمیته رسیدگی به تخلفات ناشران چند جلسه داشته است و درباره چند ناشر رأی صادر کرده است. تلاش می‌کنیم که اگر تخلفات ناشری مکرر روی نداده، این تخلفات را به نمایشگاه تعمیم ندهیم.» حسن کیاییان مدیر نشر چشمه – یکی از سه ناشری که تعلیق شده‌اند- نیز با تایید این مطلب به «شرق» گفت: «قرار شده است که با همراهی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ناشرانی که تعلیق شده‌اند در نمایشگاه کتاب شرکت کنند.» این خبری بود که محمود آموزگار رییس اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران نیز روز شنبه اعلام کرده بود. نشر چشمه، نشر ثالث و نشر پیدایش ناشرانی هستند که از زمستان سال گذشته پروانه نشرشان تعلیق شده است و اداره کتاب، کتاب‌های جدید آنها را قبول نمی‌کند و براساس رای تازه وزارت فرهنگ و ارشاد می‌توانند در نمایشگاه شرکت کنند. البته نام نشر نظر هم در این فهرست به چشم می‌خورد اما به نظر می‌رسد این نشر فرم شرکت در نمایشگاه را امضا نکرده است. اما سه نشر دیگر این فرم را امضا کرده‌اند و شرکت خواهند کرد. تعلیق این سه ناشر از سوی مسوولان وزارت فرهنگ و ارشاد اعلام شده است؛ اما به نظر می‌رسد که فهرست نام‌ها بیشتر از این باشد و ناشران دیگری هم با خطر تعلیق روبه‌رو هستند. دری در یکی از صحبت‌هایش اعلام کرده بود که پرونده تخلف هشت ناشر دیگر نیز در کمیته انضباطی قرار گرفته است. البته او در جدیدترین اظهارنظرش در جمع اعضای اتحادیه ناشران گفته: «قصد ما نمره دادن به ناشران نیست و هدف ما محدود کردن فعالیت نشر در کشور نیست بلکه با مکانیزم علمی و طراحی نرم‌افزار و تشکیل کمیته‌ای از کارشناسان معاونت، در بها دادن به فعالیت ارزنده ناشران، سره را از ناسره جدا می‌کنیم.» دری با اشاره به توجه به ضرورت بررسی کارنامه ناشران توسط خود ناشران و اتحادیه گفت: ما نیز در ارزیابی عملکرد ناشران، معدل آنها را بررسی می‌کنیم نه نمره ناشران در یک موضوع را . معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی البته در این نشست که به طرح مشکلات ناشران اختصاص داشت؛ کار ممیزی را خالی از خطا ندانسته و گفته: «نمی‌توانم تضمین صددرصدی بدهم که خطا در ممیزی کتاب وجود ندارد، اما در تلاشیم که قانون را ملاک سلایق کنیم نه سلایق را ملاک عمل. اما همگان تصدیق می‌کنند ناشری که می‌گوید بنده اطلاع از محتوای کتاب‌های خود ندارم، نمی‌تواند در جرگه ناشران حرفه‌ای فعالیت کند.» هنوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دلایل تعلیق این ناشران را نگفته است و به نظر می‌رسد که هیچ جلسه‌ای برای رسیدگی به پرونده ناشرانی که از ناشران فعال و در عرضه نشر خصوصی تاثیرگذار بودند، برگزار نشده است. در روزهای آخر ماه بهمن، تنها چند روز پس از انتشار خبر تعلیق فعالیت‌های نشر چشمه، معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در جمع خبرنگاران گفت: «به این جمله بسنده می‌کنم که تخلف آنها هم ساختاری است و هم محتوایی، که البته بخش بیشتر آن در حوزه محتواست.»

ادامه از صفحه ۱۱

نمایش ایران در یک دهه

برگشت به نقطه صفر

سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ را باید سال‌های پرکار نمایش در ایران محسوب کرد. زیرا به دلیل تغییر ساختار و جابه‌جایی نهادها و به عبارتی جانیفتادن نهادهای دولتی که همیشه خود را متولی هنر می‌دانستند و می‌دانند، فضای هنری و ادبی باز اجازه تولید آثار به هنرمندان را داد. دهها نمایش همزمان در تالارهای شهر به صحنه رفت و تماشاگران پرخروش انقلابی را به تماشای خود دعوت کردند. اما نمایش‌ها برخلاف آنچه که در دهه ۲۰ اتفاق افتاد، به طرف استقلال فرهنگی و اقتصادی نرفتند و حرفه‌ای نشدند و همچنان در مراکز دولتی و با پول دولت به معرض تماشا درمی‌آمدند. کارها را هم بیشتر آثار سیاسی-انتقادی تشکیل می‌دادند